



جوری رفتار کنید که ما این پایه نورانی حکومت برای خدمت (نه در راه ارضای هوس قدرت) را به عنوان یک اصل جاودانه و شعار مقدس جاودانه در جمهوری اسلامی نگهدار و نگهبان باشیم

شهید بهشتی



دانشگاه یا چی!! دانشگاه یا بنگاه دوستی...



خود درگیری



دُرّ شهدا



سال اول-شماره یکم-آذر ماه ۱۳۹۸

صدای دانشجوی

متاسفانه برخورد بد با دانشجو انقدری عادی شده که هر کسی در هر جایگاهی به خودش اجازه میدهند رفتاری با ما بکنند که نه در شأن خودش هست و نه در شأن ماست و با پیگیری بیشتر تهدید میشیم به حذف واحد های انتخاب شده که واقعا تمسخرآمیزه. نمونه بارز مدیریت آموزش هست که بدون در نظر گرفتن شئونات به دانشجو توهین و پرخاش بسیار میکنه. امیدوارم حداقل کمی اصلاح بشه این وضعیت.

امیر رسولی

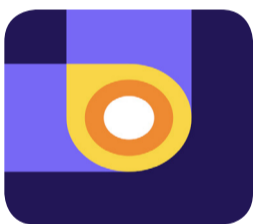
اکثر دانشجوها حتما دروسی مثل آزمایشگاه رو پاس کردن یا میخوان پاس کنن. با توجه نه چندان دقیق متوجه خرابی اکثر دستگاه ها اعم از مولتی متر و میشوند و خب با این مقدار شهریه دریافتی از دانشجویان به معنای کامل ظلم به دانشجو هست. و همینطور کنار ابرسد کن های داخل محوطه و داخل ساختمان حداقل قراردادن لیوان یکبار مصرف واجب ترین امر است که متاسفانه تا کنون پیگیری نشده.

نگار محمدی

متاسفانه در دانشگاه ما با توجه به هزینه های فراوان دریافتی، دانشجویان با بسیاری از کمبودها روبه رو هستند. از مهم ترین آنها سلف دانشکده فنی و مهندسی و ساختمان پیامبر اعظم (ص) می باشد که نه تنها دانشجویان با مشکلاتی نظیر کمبود جای کافی، غذاهای بی کیفیت و سرد در ظرف نامناسب و همچنین قیمت های بالا اجناس بوفه رو به رو هستند، بلکه اغلب اساتید نیز به دلایل بیان شده در بالا به مانند بیشتر دانشجویان ناچار به تهیه غذا از خارج از محیط دانشگاه و استفاده در جایی به غیر از سلف هستند. همچنین سلف دانشکده فنی که علاوه بر گرانی اجناس بدون توجه به رو به رویی با قشر دانشجو و همچنین عدم رعایت بهداشت توسط پیمانکاران واقعا وضعیت را نابسامان کرده. خواهشمند است به این موارد اساسی در دانشکده های ذکر شده که خواست بسیاری از دانشجویان رسیدگی شود.

محمد احمد زاده

پیامبر اکرم (ص) می فرمایند: هرگز امتی که در آن حق ضعیفان از زورداران با صراحت و بی لکنت گرفته نشود پاکیزه نمیشود و روی سعادت نمی بینند.



بلد

امروزه اپلیکیشن های خیلی زیاد و گوناگونی روی گوشی های خودمون نصب میکنیم. اما این بین بهتره که یه چندتا از کاربردی هاش رو خوب بشناسیم. تقریبا همه اونایی که ماشین دارن و اینور اونور میرن با ویز کار کردن. این برنامه مسیریاب خوبیه ولی این چند وقته نشون داده که اگر بخواد اذیت کنه واقعا اقتضای کار میکنه و باگ های زیادی داره. نمونه ایرانی این برنامه که اپلیکیشن بلد هست رو اگر داندلود کنید متوجه فرق فاحش این مسیریاب چه از لحاظ کارایی و محیط جالب و ساده کاربری و هم از لحاظ امنیت و حفظ اطلاعات شخصی از نمونه خارجی سرآمدتر هست. امیدوارم جوانان نخبه و کاربلدمون مارو چون قدم های گذشته از نیاز های مختلف وابسته به خارج رها کنند

علی صرخی

چند کلام با جدیدالورودها:

* اولش بگم اگه اومدید دانشگاه تا با لیسانس (یا بالاتر) برید دنبال آب و نون، از همین ترم اولی بچسبید به درس و حواستون فقط به درس و کتاب و استاد باشه و بازیگوشی و تنبلی مدرسه ای رو کنار بذارید. درسهای دانشگاه، هم از لحاظ کمی و کیفی و هم محدودیت زمان تا امتحان، با دبیرستان و پیش دانشگاهی فرق داره. * یه چیز خیلی مهم که حتما میدونید، ظاهر آدماست. ظاهر آدمای اولین چیزیه که قبل از هر چیز توی چشم میزنه. توضیح هم نمیدم که ظاهر و سر و وضعتون چه طوری باشه، چون خودتون دیگه حداقل نزدیک ۱۸ سالتون هستشو باید بدونید فقط آراستگی رو در نظر داشته باشید. * رفتارتون هم خب طبیعتا باید از الان به بعد که اسم دانشجو رو یدک می کشید با زمانی که دبیرستانی بودین و هزار مدل ادا و اصول داشتن فرق کنه. البته به هیچ وجه مخالف شیطونی و بازیگوشی و خوش گذرونی نیستم، اما عقل میگه که هر کاری رو به وقت و در جای خودش باید انجام داد. * نظم و انضباط توی دانشگاه و سر کلاس خیلی به نفع خودتون و بقیه هستش. از خوردن و خوابیدن سر کلاس حتی المقدور خودداری کنید! بعضی اساتید روی غیبت و تاخیر، زیادی حساسن و اگه کلا آدم شلخته و بی نظمی هستید احتمال زیاد داستان دارید. * چهار سال قراره توی دانشگاه درس

بخونید پس بهتره این مدت رو با آدمای خوبی سپری کنید. صرف اینکه همه دانشجو هستن، دلیل بر مناسب بودن برای دوستی نیست. دوستی انتخاب کنید که علاوه بر تنها نبودن و تفریح از نظر اخلاقی هم باهاتون جور باشه. در ضمن با جنس مخالف محتاط تر برخورد کنید، تا شخصیتتون حداقل در اولین مواجهه جلف و لوس به نظر نیاد! * همونطور که دانشگاه باعث موفقیت و خوشبختی میشه برعکس قضیه هم کاملا صادق و دانشگاه ممکنه باعث بدبختی هم بشه. دیده ام کسانی رو که دانشگاه باعث پسرفت و ایجاد مشکل های خیلی بد توی زندگیشون شده. حتی خودم موارد خیلی خفیف تری رو تجربه و لمس کردم. این دوران رو سرسری نگیرید چون یکی از مهم ترین قسمت هایی زندگیتون محسوب میشه و این بستگی به خود شما داره که چجوری بخواین ازش استفاده ببرید، سود ببرید یا ضرر. بسیاری از مواقع این ضرر بسیار سخت و جبران ناپذیر درآینده میشه. پس مواظب باشید که از لحاظ جانی، مالی، فکری، اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی، و حتی دینی و مذهبی نه دچار مشکل بشید، نه مشکل آفرین. با آرزوی موفقیت برای همه ی شما دوستان عزیز تو مسیر جدید زندگیتون.

خود درگیری

هر دم از این باغ بری میرسد. در چند هفته اخیر همه شاهد رفتارهای پرتناقض و ناشایست آقای علی مطهری نماینده محترم تهران در فضاهای مختلف جامعه بوده ایم که از جمله میتوان به برخورد زشت و زننده با دانشجوی دانشگاه شهید بهشتی اشاره کرد که با کنایه جنسی پاسخ دانشجوی را در جمعی که دختر و پسر همه بودند، داد که نمیدانم چرا ایشان با رفتارش به آبروی پدر شهیدش که استاد اخلاق همه ما انقلابیون است میتازد. بگذریم ... حال به حواشی ایشان و سیستم های امنیتی در این چند مدت اخیر میپردازیم. در تیرماه سال ۱۳۹۲ علی مطهری فاش کرد در دفتر کارش وسایل شنود کار گذاشته شده بود و اما در یازدهم دی ماه ۱۳۹۵ وی در پاسخ به خبرنگار ایرنا گفته است "وزارت اطلاعات در مورد این پرونده اعلام کرد که این کار مربوط به این وزارتخانه در دولت قبل بوده و کسی که عامل این مسئله بوده اخراج شده و من دیگر نیازی به پیگیری بیشتر ندیدم پس ادامه ندادم" از مطلب فوق برمیاید که وسایل شنود غیرقانونی و بصورت ناشیانه کار گذاشته شده چرا که شخصی به مانند علی مطهری توانسته آن را کشف و افشا کند!! اما جالب این است که مشکل مطهری



با نفس عمل شنود غیرقانونی بوده که لاجرم میبایست با عذرخواهی وزیرخاتمه می یافت یا هدف برنامه ریزی جهت حذف و پاکسازی مدیران و نیروهای باقی مانده در دولت احمدی نژاد در وزارت اطلاعات بوده. هدف و وسیله هرچه که بوده مورد شبهه فراوان است و ایراد اصلی متوجه وزارت اطلاعات میباشد. در پرونده دیگری طی سالهای اخیر همه به یاد داریم دانشمندان هسته ای کشورمان چه مظلومانه درخون غلتیدند و طی یک سال پس از پایان ترورها یعنی در سال ۱۳۹۱ شخصی

در صفحه تلویزیون ظاهر شد و اقرار کرد که **مازیار ابراهیمی** است و مسئول تیم ترور شهید مجید شهریاری بوده و در ترور مسعود علیمحمدی نیز نقشی داشته. واما..... در اوایل مرداد ۹۸ پس از اینکه مازیار ابراهیمی اینبار در صفحه تلویزیون مجددا ظاهرا اینبار البته نه تلویزیون ایران و بلکه از شبکه بی بی سی فارسی اعلام کرد اعترافاتش زیر فشار بوده، دروغ است و هم اکنون در فرانکفورت آلمان زندگی میکند. پرداختن به جزئیات این ماجرا هم به نوبه خود جالب است و دسته گل

اب دادن های وزارت اطلاعات را مضحک تر و خنده دارتر میکند. اینبار نیز موضوع در ۲۷ مرداد ۹۸ توسط سخنگوی دولت ربیعی مورد تایید قرار گرفت. بماند... ۲۴ تیر امسال مجددا آقای علی مطهری افاضات فرمودند: ((نهاد تخصصی میگوید بازداشتی های محیط زیست، جاسوس نیستند)) موضوع برمیگردد به بازداشت شماری از فعالان به ظاهر طرفدار محیط زیست که توسط **سازمان اطلاعات سپاه پاسداران** در سال ۹۶ که از جمله آنان ((کاووس سید امامی)) شهروند دو تابعیتی ایرانی-کانادایی بود که از ترس اعتراف به اعمال کثیف، خود را در زندان کشت. جالب است نحوه دستگیری جاسوسان و کشف و دستگیری اینان توسط سپاه پاسداران به قدری حرفه ای بوده که غیرقابل انکار بوده است. الان هر خواننده ای به این فکر میکند که بالاخره آقای مطهری! وزارت اطلاعات خوب است یا بد است؟ حرفه ای است یا غیر حرفه ای؟ با چه کسی مشکل داری شما؟ با اشخاص کینه داری یا با اعمال غیرقانونی یک دستگاه؟ در یادداشت های بعدی به جزئیات آزاد سازی مازیار ابراهیمی و دستگیری کاووس سیدامامی و همپطور چگونگی و جزئیات عملیات جاسوسی فعالان محیط زیست میپردازیم. یا حق.

حسین خسروی

بازی تاج و ثروت

اقتصاد شناور در معرض غرق شدن:

وای بر کم فروشان (آیه ۱ سوره مطففین)، ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷، همزمان با خروج آمریکا از برجام اوضاع اقتصادی کشور بهم میریزد.... مهم نبود که شما برای چه چیزی برنامه ریزی کرده بودی یا چند سال برای خریدن یک خانه یا یک ماشین پول ذخیره کرده بودید بعد از هجده شهریور آن سال هیچ چیز مثل قبل نشد ترامپ در یک اقدام بسیار خبیثانه از برجام خارج شد اقتصاد کشور از فردای آن روز روندی عجیب به خود گرفت قیمت ها ناگهان چند برابر شدند قیمت ارز روز به روز افزایش پیدا کرد قیمت خانه سه و یا چهاربرابر شد تمام برنامه ریزی ها مربوط به خریدن بهم ریخت شرایط اقتصادی روز به روز بدتر میشد و معیشت مردم هر روز سخت تر میشد این شرایط دلایل سیاسی و توجیح های منطقی بسیار داشت ولی از یک فاکتور نمیتوان چشم پوشی کرد ترس و طمع در مورد اولی باید بگم که خب هر کس نگران بی ارزش شدن اموال و گرانی بود ولی در مورد دومی طمع بعد از ترس به سراغ بعضی ها آمد بعد از هجدهم شهریور گرگ ها دندان تیز کردند و سلاطین تصمیم به کشور گشایی گرفتند گفته بودم که مردم از گرانی ترسیدند سلاطین از همین نکته استفاده کردند وقتی عام مردم آماده گرانی هستند خب چرا گران نکنیم این تفکر خیلی از سلاطین بود تا اینجای متن شاید بتوان گفت که این



وضعیت توی هرکشوری میتواند پیش بیاید ولی وای بر روزی که رعیت دزدی را از بالا دستی خود یاد بگیرد وحشتناک خواهد بود و متأسفانه اینگونه هم شد اکثر مغازه ها شروع به گران فروشی کردند پخش کننده ها شروع به دیپوی محصولات خود کردند دیگر روزی حلال معنایی نداشت حکیمی میگفت: (روزی در شهری قدم میزدم چند مرد کنار مسجد گدایی میکردند بعد از چند لحظه سر تکه نانی شروع به دعوا با همدیگر کردند معلوم بود که خیلی گرسنه اند آنجا فهمیدم که خدا در نان حضور دارد) خداوند به روشنی گفته است که اگر ذره ای ظلم کنیم ثبت خواهد شد همانطور که اگر ذره ای نیکی کنیم ثبت میشود ما نشان دادیم که اکثرمان در سختی ها به هم رحم نمی کنیم بلکه برای هم دندان

تیز میکنیم. اما این دور از آن است که من همیشه فکر میکردم و همچنان هم باور دارم این مردم آن چیزی که شاید در خیلی جاها دیده میشه نیستند. خود نمیخواهند اما شرایط بد اقتصادی و خانواده ای که خیلی ها با تعداد مختلف اعضا باید خرج دهند. همان گونه که رهبرمان گفت این شرایط بد اقتصادی حاکی از تحریم های کنونی است و ما خود باید با تولید داخل و حمایت از آن و همچنین میدان دادن به جوانان نخبه این کشور از پس غول تحریم بریاییم تا دیگران نیازشان ما باشیم نه بالعکس. ای کاش همه مسئولین این سخن حضرت اقا را شنیده باشند و خود را در زمان کاری وقف ملت کنند. وای بر کم فروشان این سخن خداوند است از آن فرمایشاتی است که هیچ توجیه و بهانه ای برای آن

علیرضا فلاح

دانشگاه یا چی؟؟

دانشگاه یا بنگاه دوستی:

اگر الان بریم تو خیابون و مخاطبمون فقط دانشجوها باشن و ازشون سوال بپرسید که هدفتون از رفتن به دانشگاه چی بوده بعضی ها میگن درس، بعضا میگن فقط برای مدرک گرفتن و پسرا بیشتر واسه به تعویق انداختن سربازی و بعضی هاهم خیلی صادق هستن و من بشخصه این افراد رو خیلی دوست دارم و اونا میگن میریم واسه پیدا کردن نیمه گم شده خودمون که ببینیم اخر سر تو کدوم کلاس میشه این شوالیه سوار بر اسب سفید رو پیدا کرد. اما غافل از اینکه آیا همه به اون ایده آل خودشون میرسین یا نه؟ اره درست فهمیدید بحث امروزمون درباره روابط دانشجویی بین دخترها و پسرهاست یا به قول همون دوستان روابط بین شوالیه ها و پرنسس هاست.

امروزه تو همه کشورها دانشگاه ها قوانین مخصوص به خودشون رو دارن و تمامی این قوانین برحسب فرهنگ و قوانین پایه و اساسی اون کشور وضع شدن. حالا تو ایران که فرهنگ و تمدن کهنش زبانزد تمامی مردمان جهان است خوبه کمی ما پاسدار این فرهنگ غنی باشیم. دانشگاه اسمش روی خودش هست محلی که باید طلب علم کرد و به کشف ندانسته های علمی رفت. حالا این وسط به سبب فضای دانشگاه که تفکیک جنسیتی نشده ارتباطاتی به طور طبیعی و بنابر شرایط موجود بین دانشجو های دختر و پسر برقرار میشود که اجتناب ناپذیر است. اما این به خود ما بستگی داره که این روابط رو چگونه پیش ببریم؟ مثلا بعضیا بعد از مدتی به طور کاملا اتفاقی با ریختن جزواتشون روی زمین راه صحبتی باز میکنن که به عنوان مثال میتوان به جمله معروف جزوتون رو میتونم بگیرم؟ ختم میشه. فرداش هم احتمالا میگن اجازه هست با خانواده خدمت

برسیم جهت امر خیر؟؟؟ خب اگر این موضوع با هماهنگی خانواده ها باشه میشه گفت جزء همون فرهنگ پسندیده خودمونه و چقدر خوب که بشه نصف دین رو در چارچوب نظارت خانواده و آنگونه که توصیه شده تکمیل کنیم. اما این وسط بعضیا شیطننت میکنن و هدفشون امر مقدس ازدواج نیست اینجاست که باید احساس خطر کنید. حالا چرا خطر؟ قبلش بگم این خطری که میگم بیشتر متوجه دخترخانوم هاست چرا که احساسات بسیاری لطیف تری نسبت به آقایون دارن و همین شده نقطه ضعف فاحشی برای آن ها. ممکنه بعد از مدتی که این دختر و پسر که از قضا قصدشون ازدواج هم نبوده ناخداگاه به هم دل بسته و در صورت جدایی مسلماً این جنس مونث هست که بیشتر اذیت میشه. نویسنده این متن پسره اما از دید یه پسری که جایگاه دختر و زن رو آنقدر بالا میدونه که خارج از تصوراتش هست مبادا دختری که در خانواده با کلی ناز و نعمت بزرگ

شده بازیچه دست پسری شود که بعدا حتی اسم او را هم به یاد نیارد. این چند وقته یه برنامه تلویزیونی با نام (بدون توقف) در حال پخش هست که خوبه گاهی این برنامه رو ببینید که درباره موضوعات مختلف و درد جامعه خصوصا بین جوان ها صحبت میکنه. وظیفه خودم دونستم تا حرف های دل خودم که شاید حرف خیلی های دیگه هم باشه رو به گوش شما عزیزان برسونم و امیدوارم اندک تاثیر حاصل از این رو بعدا ببینیم. خلاصه تمام حرفم اینه: برادر من، خواهر من، آنگونه که پسندیده هست رفتار کنید که نه خود را آزار بدید نه دیگری رو. تا دانشگاه یا چی بعدی بدرود

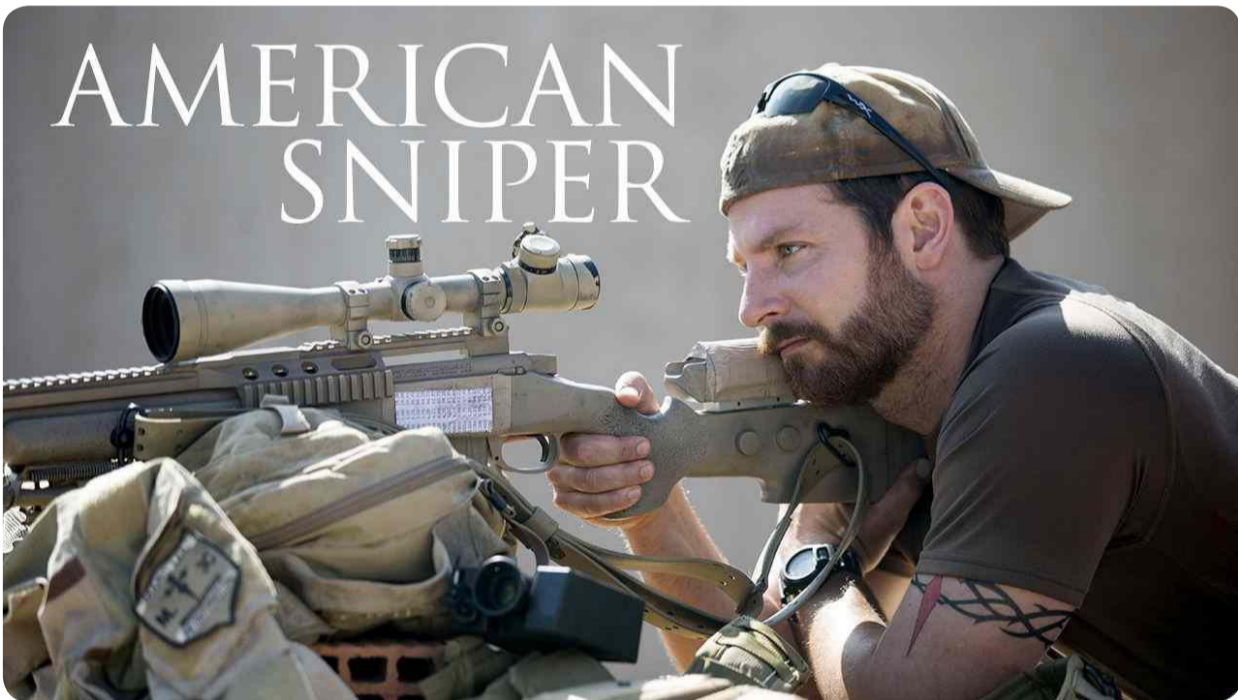
پویان سیفی

درد و دل

روزها پس از دیگری می گذرند و من همچنان در پی ادامه تحصیل هستم. آنچه در سر داشتم ایا همه خواب و رویا بود یا می توان به آن جامه عمل پوشاند؟ باید درس بخوانم اما چه کس میداند از دغدغه های یک پسر جوان در این سن. اینجا صفحه ای باز میشود، شامل چند تیتراژ اساسی، صبر کنید برایتان یکی یکی می شمارم: فارغ التحصیلی، کار، خانه، ماشین، موقعیت اجتماعی مناسب - در نهایت ازدواج و قبول بزرگترین مسئولیت زندگی تازه این وسط عامل مهمی چون سربازی رو فاکتور گرفتیم. چون گفتیم اگر بگم خیلی ها جبهه میگیرند و به من میگن سربازی ادم رو مرد میکنه اما واقعا با سربازی مرد میشیم؟ نمیگم چیزیدیه اتفاقا باعث میشه مسئولیت پذیر به معنای واقعی بشیم اما دو سال از زندگی و موقعیت هایی که میشه برات بهترین ها باشن دور میشی، واقعا ملال اوره. چه کسی باید رسیدگی کند؟ دولت؟ مسئولین هریک به تنهایی؟

نقد فیلم

فیلم تک تیر انداز آمریکایی ساخته کلینت ایستوود محصول سال ۲۰۱۴ آمریکا است فیلم درباره ی کریس کایل با بازی بردلی کوپر بهترین تک تیرانداز تاریخ ارتش آمریکا در جنگ این کشور با عراق است. داستان فیلم از جایی شروع میشود که کریس که اهل تگزاس است و قصد دارد شغل گاوچرانی را که اکثر تگزاسی ها عاشق آن هستند بر عهده بگیرد. با شروع جنگ مواجه میشود و از جایی که عاشق کشور خود است به عضویت ارتش آمریکا در میاید و درمیابد که استعداد شگرفی در زمینه تیراندازی دارد و به گفته همزمانش در زمان جنگ بیش از ۱۶۰ نفر را با تفنگ های دوربین دار کشته و حتی برد گلوله هایش بیش از ۱ کیلومتر بوده است و برای ارتش آمریکا تبدیل به یک افسانه و البته قهرمان شده بوده است. همین توصیف ها کلینت ایستوود را وسوسه میکند تا زندگی او را به تصویر بکشد. فیلم از نظر ساختاری به طوری عالی پرداخته شده و بردلی کوپر نقشش را به نحو احسن انجام داده اما این فیلم چند نکته اساسی را در خود جای داده که قصد داریم در این مقاله به آن بپردازیم. کریس کایل به گفته خود عراقی ها را مشتی وحشی توصیف میکرد است و حتی گفته بوده که از



کشتن آنها نیز لذت میبرده است اما کریس کایلی که ما در فیلم میبینیم فردی است بسیار اخلاق مدار در جنگ که هیچ اثری از خشونت در چهره ندارد و هر کاری که میکند فقط از سر وظیفه شناسی و میهن پرستی است و به نحوی باید گفت هرچه کارگردان فیلم سعی کرده افسانه سازی نکند موفق نشده و ما شاهد قدیسی در پوست یک انسان هستیم یا حتی کایل در واقعیت هیچ وقت در زندگی شخصی خود کنار همسرش اوضاع آرامی را نداشته ولی باز هم در فیلم فقط ذراتی از این دریای مشکلات را میبینیم و در جنبالی ترین صحنه فیلم وقتی کودکی عراقی قصد حمله با تفنگ به

سربازان آمریکایی دارد کایل از زدن او امتناع میکند تا شاید پسر از حمله ی خود منصرف شود ولی با توجه به توصیفات که از کایل شده است بعید به نظر میرسد که او حتی لحظه ای در کشتن کودک درنگ کرده باشد. به هر حال کارگردان از این سرباز پیش مردمان کشورش بتی ساخته که عاری از هیچگونه مشکلی است ولی شواهد نشان میدهد که او میهن پرستی گمراه شده است که باور دارد که به جنگ مشتی وحشی میرود و وظیفه دارد آنها را سلاخی کند که این البته هشدار است به تمام کسانی که بر این باورند در راستای هدفی درست قدم برمیدارند تا هر از چند گاهی به عقب نگاهی

ببندارند و به خود بگویند مهم نیست من چقدر با هوشم یا چقدر در کارم خوبم مهم این است که تک تک قدم هایم را درست و در راه درست بردارم. فیلم تک تیر انداز آمریکایی داستان بهترین تیر انداز سفید آمریکا و شاید دنیاست که هدف خود را گم میکند و تیر هایش را به سمت آدم های اشتباهی پرتاب میکند.

علیرضا فلاح

تاریخچه

فیلم «کلب خریداران دالاس» محصول ۲۰۱۳ آمریکا به کارگردانی ژان مارک ولی است. با اینکه ژانر این فیلم درام می باشد اما بودجه این فیلم بسیار پایین بوده، به گونه ای که برای گریم بازیگران فیلم تنها ۲۵۰ دلار در نظر گرفته شد. ولی گریمور ها به قدری کارشان درخشید که با آن بودجه ی کم، این فیلم برنده اسکار بهترین گریم شد هر فیلمی که برنده ی اسکار «بهترین صحنه» می شود، یک مجسمه ی درخشان مخصوص دریافت می کند. وقتی که فیلم سفید برفی و هفت کوتوله در سال ۱۹۳۹ برنده ی این جایزه شد، آکادمی اسکار به سازنده ی این فیلم یک اسکار معمولی و هفت اسکار مینیاتوری که نشان دهنده ی هفت کوتوله بودند اهدا کرد. هیث لجر برای آماده سازی نقش جوکر در فیلم شوالیه تاریکی خود را به مدت شش هفته در اتاق مسافرخانه ای حبس کرد. در تمام طول این مدت، هیث به روانشناسی شخصیت جوکر پرداخت. همه ی رفتارها و ریکشن های او اعم از صدا، تیک های عصبی و خنده های آزار دهنده اش برای نقش جوکر حساب شده بود در واقع او شخصیتش را فدای شکوهمند کردن شخصیت جوکر کرد

محمد رضا رائفی

دُر شهدا

جامعه خیلی فرق کرده، هرچند خیلی چیزها دیگر مثل گذشته نیست، اما گاهی پیدا می شوند کسانی که در همین حوالی زندگی می کردند و فساد زمان خویش را درک کرده ولی غرق نشدند، تا جایی که دست ها گرفته اند و شدند منجی! برخی پا را فراتر گذاشته، روح را چنان جَلا داده اند که در هر جایی و هر زمانی که کار کسی گیر باشد، خود را می رسانند و دست میگیرند جسمی که سالیان سال رفته و روحی که سالیان سال مانده معتقدم جامعه شبیه یک صندوقچه ی پر محتواست و در آن از خاک و ریگ و خاشاک گرفته تا زمرد و "دُر" و گوهر وجود دارد، حال که همیشه خاک و خل ها زیاد و دُر و گوهر ها نایاب! شهدا در دسته ی گوهر ها جای دارند، آن ها که برای حتی خاشاک ها هم شرافت و غیرت



خوب می شناسند! باید از آنها پرسید! کتابش را رهبر یک مملکت تا مدت ها کنار نمی گذارد توصیه بنده هم این است که همه ی کتب را کنار گذاشته یکی دوهفته خود را وقف کتاب های او کنید، دو جلد پر از زندگی و حیات! و رمز های جمله ی او را که مشکل کار های ما این است که برای رضای همه کار می کنیم؛ جز خدا! دریابید گفته بودند از درباره ی یک شهید بنویسید، شهید ابراهیم هادی و چند خط انصاف است؟ مگر حال عشاق را قلم زدن کار یک نویسنده است! وقتی کتاب ها را خواندی، قول می دهم تصدیق کنی که دو جلد هم کفاف توصیف حال این بزرگوار را نمی دهد که شجاعت، بزرگی، عدالت، نجابت، بلاغت، جسارت این مرد را در کمتر مردی پیدا میکنی به یاد مادر بی مزارمان زهرا سلام - الله علیها و شهید ابراهیم هادی

علی پورسیاسی

به خرج دادند و نایاب تر از قبل شدند! و چه گوهری مانند دُر نایاب تر! شاید بررسی این گوهر نایاب گران بها کیست؟ بزرگان علم تربیت گویند: اگر میخواهی جوانی را تربیت کنی و او را رشد دهی، باید قلب او را فتح کنی؛ معطلت نکنم؛ چه کسی هم صدای خوبی دارد، دل پاک، هم مرام زیاد، هم ذاتی بس

خدایی، بصیرتی بالا، دیانتی زیبا و سطح فهم بالا و جذابیت و هیكلی خوش فرم و ورزشکار. در یک کلام چه کسی را شبیه ابراهیم هادی می توانی به من بشناسانی، کسی که روح پُر فتوحش هنوز هم دست می گیرد و کسی که با خواندن داستان شیرین زندگیش، رمانی واقعی و مجذوب کننده را میتوانی مرور کنی

این جوان اهل میدان خراسان تهران که در نهایت هم عاقلانه عاشقی را طی می کند و شهید می شود، چگونه الگوی خیلی از جوانان می شود؟ چرا در اربعین، فضای مجازی، پشت کوله پستی ها، عشق نامه هایی برای شهید یا هر کجا که می گردم، عکسی یا نشانه ای از پهلوان کانال کمیل است؟ محمد بنا و علی پروین او را

روز دانشجو

به نیروی فعال ،دانا و با انگیزه احتیاج دارد پس یا علی را بگویند و از همین امروز به فکر پیشرفت خود و کشور عزیزمان با توکل به امام زمان باشید و بدانید خداوند طرفدار شش آتشه کسانی است که با خلوص نیت تمام تلاش خود را برای بالا رفتن از پله های ترقی میکنند تمام من و تمام نویسندگان و دستاوردکاران این نشریه(که متعلق به خودتان است) این روز عزیز را به تمام کسانی که برای فرار از سربازی ، پیدا کردن نیمه گمشده ، پول ، تبدیل خانواده فقیر به غنی ، سکوی پرتاب ، خارج رفتن ، خدمت به کشور و در آخر عشق به علم دانشجو شده اند تبریک میگوییم انشالله که در زیر سایه خداوند موفق و سلامت باشید

محمد حسین جباری

رفتار کنیم همه ی ما فارغ از دانشگاه محل تحصیلمان توانایی موفق شدن را داریم ما ایرانی هستیم پشت سرمان تاریخ و فرهنگی غنی است. اجدادی داریم که لحظه به لحظه عمرشان برای سر بلندی این خاک تلاش کرده اند. دکترانی مثل پروفسور سمیعی داریم که اعتباری بی اندازه در پزشکی دارند چمران هایی داریم که آنقدر توانا هستند تا در ناسا فعالیت کنند میرزاخانانی هایی داریم که سخت ترین مسائل ریاضی را به ساده ترین صورت ممکن حل میکنند این همه را گفتم تا بدانید اگر یک ایرانی قصد پیشرفت داشته باشد هیچ محدودیتی جلودارش نخواهد بود و چه جایی از عالی ترین مکان آموزشی کشور بهتر؟ همه ی سخنانم در جهت این بود که شاید بتوانم ذره ای انگیزه در شما ایجاد کنم چرا که در این زمان ایرانمان به ما نیاز دارد این خاک

ایستادگی در برابر ظلم هیچ ابایی ندارند شاید حرف هایم به نظر شعاری و یا حتی مسخره به نظر برسد ولی اگر کمی به حرف هایم و به تاریخچه واژه دانشجو دقت کنیم میبینیم که چه بار سنگینی را روی دوش خود داریم ما اگر راه خود را در زمان دانشجویی گم نکنیم در آینده چمران ها، مریم میرزاخانانی ها میتوانیم تحویل جامعه دهیم. خودمان میتوانیم آینده کشور را جوری دیگر رقم بزنیم. باید یادمان باشد که جان هایی سر این خاک رفته است تا ما امروز بتوانیم در امنیت کامل به جستجوی علم برویم پس یادمان باشد که ما به آنها مدیون هستیم و ادای آن به هیچ وجه انجام نمیشود جز با درس خواندن و تلاش برای فتح قله های موفقیت بیابید تلاش کنیم تا کشورمان را سربلند کنیم. ما دانشجو هستیم وظیفه داریم در شأن این اسم

آذر ماه ۱۳۳۲ بود فقط ۴ ماه از کودتای مصدق علیه محمد رضای پهلوی میگذشت نیکسون رئیس جمهور وقت آمریکا به ایران آمد تا با مصدق دیدار کند همچنین شایعاتی مبنی بر از سرگیری روابط با بریتانیا توسط ایران به گوش میرسید. سه دانشجوی دانشگاه تهران بخاطر اعتراض به این رویداد ها کشته شدند از آن روز از ۱۶مین روز سومین ماه این فصل دلگیر به عنوان روز دانشجو یاد میشود اینکه چرا چنین روزی روز ما است یک دنیا حرف در دلش دارد دانشجو... آه که چقدر این واژه برایم عزیز است دانشجو نماد استقامت در برابر مشکلات مظهر انگیزه و کوی انرژی است اغراق نیست اگر بگویم اگر ذره ای به آینده این کشور غوطه ور در مشکلات امید باشد همین دانشجو ها هستند آینده سازان کشور.... کسانی که به خاطر شرایط خاص سنی شان از گفتن حرف حق و

*جهت همکاری با نشریه به این آیدی پیام بدید: @hossein_kh_1999



ماهنامه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی پلاک ۵۹

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب

مدیر مسئول: احسان خداپنده لو **سردبیر:** حسین خسروی

صفحه آرا و گرافیک: سعید صابریان

هیات تحریریه: علی پورسیاسی-علی صرخی-علیرضا فلاحت-محمد رضارائفی-حسین خسروی-پویان سیفی-محمد حسین جباری



نشریه پلاک ۵۹